

مسیحیت را بشناسید

گرد آورنده:

قریب الله «مطیع»

عنوان کتاب: مسیحیت را بشناسید
نویسنده: قریب الله «مطیع»
موضوع: اسلام و مسیحیت
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده
است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- پیشگفتار ۱
- تعریف بعض اصطلاحات ۳
- عقیده‌ی مسیحیت ۵
- مسیحیت امروزی بر سه بنا استوار است: ۶
- اول: عقیده‌ی تثلیث یا خدایان سه گانه: ۷
- دوم: عقیده‌ی صُلب یا بدار آویخته شدن مسیح علیه السلام و مقدس دانستن آن: ۱۰
- حقیقت امر چیست؟ ۱۱
- سوم: محاسبه‌ی مسیح علیه السلام با مردم در روز رستاخیز: ۱۴
- عبادات ۱۵
- کتاب‌های مسیحیان ۱۶
- تحریر در کتاب‌های انجیل ۱۸
- أ- مستضعف و مغلوب بودن پیروان این دین: ۱۸
- ب: تلف شدن انجیل و گسستن سند آن: ۱۹
- ج: پاولز یهودی: ۱۹
- د- اثر عقاید وافکار بت پرستی و فلسفه‌ی آن بر مسیحیت: ۲۳
- طوایف مسیحیت ۲۴
- اول: فرقه‌ی کاتولیک: ۲۵

- دوم: فرقهء ارتودکس: ۲۵.
- سوم: فرقهء پروتستان (انجیلی‌ها): ۲۵.
- دعوت به مسیحیت** ۲۶.
- مهمترین اهداف داعیان مسیحیت: ۲۶.
- وسائل دعوت به مسیحیت ۳۲.
- ۱- هیأت‌های دیپلماتیک ۳۳.
- ۲- مکتشف‌ها: ۳۳.
- ۳- طبابت: ۳۳.
- ۴- آموزش حرفه یا پیشه: ۳۳.
- ۵- تعلیمات عالی: ۳۴.
- ۶- مؤسساتی که بنام کمک و همکاری در کشورهای فقیر گسیل می‌شوند: ۳۴.
- ۷- شکار زن‌ها: ۳۴.
- ۸- کارگران و متخصصین: ۳۵.
- ۹- بورس‌های تعلیمی: ۳۵.
- ۱۰- تبادلۀ کلتور و فرهنگ میان کشورهای غربی و اسلامی: ۳۶.
- ۱۱- وسایل و رسانه‌های خبری: ۳۶.
- چگونه از پخش و نشر مسیحیت جلوگیری نمود؟** ۳۷.
- مقام مسیح علیه السلام و سایر انبیاء علیهم السلام در اسلام** ۳۹.
- عقیدهء مسلمانان در مورد پیامبران ۴۲.
- اعترافات:** ۴۳.
- سخن اخیر** ۴۵.

فهرست مراجع و مصادر..... ٤٧

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبينا محمد ﷺ وعلى سائر أنبيائه
تسليماً كثيراً.
أما بعد!

کشور عزیز ما از دیر زمانی مورد حملات و تجاوز دشمنان اسلام قرار دارد، این حملات گاهی از راه سلاح و گاهی از راه پخش و نشر افکار باطل و کفری صورت می‌گیرد، لیکن ملت دلیر و مسلمان ما با هر تجاوزی پنجه نرم کرده‌اند و دشمنان را به یاری خداوند متعال خوار و زبون از کشور خویش رانده‌اند، اغتشاش داخلی و عدم موجودیت حکومت مرکزی قوی اسلامی در کشور زمینه را به دشمنان مساعد ساخته است تا منافع و مصالح خود را تأمین نمایند و مردم بیچاره ما را به طرف خویش بکشانند، همه دست به کارند و فعالیت دارند، حتی کمونیست‌های شکست خورده نیز دوباره جان گرفته‌اند و می‌خواهند پوست بره را به تن نموده مردم را دوباره فریب دهند، چنانکه مسیحیان نیز با کمال زیرکی از فضای تیره استفاده می‌نمایند، مردم را از پرستش خدای یگانه به عبادت خدایان سه گانه می‌خواهند ببرند، طوریکه می‌گویند: (آب را تیره و گل آلود کن و ماهی بگیر). آن‌ها خواهان همچو وضع در کشور ما و سایر کشورهای اسلامی‌اند، زیرا عدم موجودیت امن و آرامش و جنگ‌های پراکنده و عدم حکومت مرکزی قوی اسلامی به نفع آن‌ها تمام می‌شود تا بنام کمک، همکاری، دلسوزی، و انسان دوستی و حقوق بشر، همچون افکار پوچ و خنده‌آور خویش را بر مردم تحمیل نمایند. دعوتگران مسیحیت زیر پرده‌های مختلفی فعالیت دارند، و اگر همچو وضع فعلی که همه دست بسته و حیران می‌نگرند دوام کند شاید در آینده

نزدیک - خدای نخواستہ - کلیساهایی در نقاط مختلف کشور ما بنا شود. مردم ما در راه دین و عقیده خویش قربانی داده‌اند نباید این قربانی‌های شان ضایع شود، نباید ثمره جهاد و فداکاری شان به دست بیگانگان بیفتد. امروز بر هر مسلمان لازم است تا در راه دفاع از دین و آئین مقدس خویش فعالیت نماید تا مسئولیت خود را در برابر دین و عقیده والای خویش ادا نموده باشد.

این رساله کوچک که در باره معتقدات و فعالیت‌های مسیحیان در کشورهای اسلامی، بحث می‌کند گام کوتاه‌بست در راه مبارزه علیه این دشمنان زرنگ است که باید بشکل منظم و دسته جمعی دنبال شود، تا مردم غافل و بی‌خبر از دام این صیادان مکار نجات یابند.

تواضع‌های دشمن مکر صیادی بود بیدل

که خم رفتن صیاد بهر قتل مرغان است

به امید پیروزی حق بر باطل.

قریب الله «مطیع»

مدینه‌ی منوره ۲۳، صفر ۱۴۲۵ هـ.

تعریف بعض اصطلاحات

● **تنصیر:** تنصیر یک حرکت دینی، سیاسی و استعماری است که بعد از شکست جنگ‌های صلیبی ظهور یافت، هدف این حرکت نشر و پخش دین نصرانیت (مسیحیت) میان امت‌های مختلف جهان بویژه کشورهای جهان سوم یا عقب مانده بوده می‌خواهند مردمان آن‌ها را زیر یوغ استعمار خویش در آورند^(۱).

● **تبشیر:** تبشیر در زبان عربی مژده دادن را گویند، همچنان خبری که بر سیمای انسان تغییر وارد کند چه خوش و چه اندوهگین باشد تبشیر نامیده می‌شود ولی در نزد مسیحیان مراد از تبشیر هجوم و حمله مسیحیت بر دیانت‌های دیگر بوسیله دعوتگران شان خصوصاً حمله به اسلام را تبشیر می‌نامند^(۲). یا اینکه آگاه ساختن افراد و توده‌ها از خبر خوش مسیح که گویا او پروردگار آن‌ها هست و عبادتش بر آن‌ها لازم است^(۳).

لازم به تذکر است که هدف از تنصیر و تبشیر یکی می‌باشد.

● **مسیحیت:** مسیح اسم عِيسَى الْمَسِيحُ عیسی الْمَسِيحُ است که پیروان وی خویش را مسیحیان می‌نامند. گفته می‌شود عیسی الْمَسِيحُ رابخاطر مسیح می‌نامند که در روی زمین خیلی سیاحت نموده بود، و یا اینکه مسیح گویند چون او بر مریضی دست می‌کشید به امر خداوند متعال

۱- الموسوعة الميسرة ص: ۱۵۹.

۲- التنصير في البلاد الإسلامية ص: ۱۵.

۳- التنصير مفهومه وأهدافه ص: ۴۰.

شفایاب می‌شد، یا اینکه هنگام بدنیا آمدنش با چربی مسح شده بود^(۱). و مسیحیان می‌گویند که عیسی علیه السلام بخاطری مسیح نامیده می‌شد که وی برای خدمت و فدا نمودن جاننش بدنیا پای گذاشت^(۲).

- **نصرانیت:** اصطلاحی است که به پیروان عیسی علیه السلام اطلاق گردیده است. حضرت عیسی علیه السلام از طرف خداوند متعال فرستاده شد و بر او کتاب انجیل نازل گردید تا رسالت موسی علیه السلام و کتابش را که تورات نام داشت تکمیل و به اتمام برساند. عیسی علیه السلام بسوی بنی اسرائیل فرستاده شد تا به مکارم اخلاق و تهذیب وجدان و ضمیر امر نماید ولی با گذشت زمان کمی دست خوش تحریف و تبدیل گردید و اساس آن ناپدید شد. کتاب انجیل رفته رفته با عقاید شرکی و بت‌پرستی آمیخته شد و قداست و منزلت آسمانی که داشت از دست رفت^(۳).

- **استشراق (خاورشناسی):** استشراق (خاورشناسی) کلمه‌ای است که بر تحقیقات و بررسی‌های علمای یهود و نصاری و دیگران که ساکنین غرب‌اند، علوم، زبان، دین، تاریخ، تمدن، فرهنگ، و وضعیت اجتماعی مردمان شرق نشین (مسلمانان) را مورد بحث و بررسی و مطالعه قرار می‌دهند اطلاق می‌گردد.

استشراق زمانی آغاز شد که فاتحین و جهان‌گشایان اسلام به دروازه‌های اروپا رسیدند، در این زمان مسلمانان پیشتاز و یکه تاز جهان

۱- المفردات للاصفهانی، ص: ۴۶۸.

۲- قاموس کتاب مقدس ص: ۸۶۰.

۳- الموسوعة المیسرة ص: ۴۹۹.

بودند.

اروپائی‌ها که در جهل، نادانی، غفلت و عقب ماندگی بسر می‌بردند آغاز به بررسی و تحقیق نمودند تا بدانند چطور مسلمانان به این عظمت و پیشرفت دست یافتند؟ لذا بعضی از علمای کلیسا در صدد تحقیق و پژوهش شدند تا علوم و فرهنگ و زبان مردمان شرق (مسلمانان) را فرا گیرند تا پی به علت عظمت و ترقی و منزلت مسلمانان ببرند^(۱).

و نیز پس از اینکه مسیحیان در جنگ‌های صلیبی که تقریباً دو صد سال دوام کرد نتواستند اسلام را از بین ببرند، در صدد آن شدند که یک تعداد از دانشمندان شان را وظیفه دهند تا اسلام را از داخل، مطالعه کرده با مکر و فریب، چهره‌ء حقیقی آن را مسخ کنند، که با این کار شان از یکسو اروپا را از قبول کردن اسلام حمایت کنند و از سوی دیگر، مسلمانان را نسبت به دین شان به شک بیاندازند تا راه برای مسیحی ساختن شان هموار گردد. و نیز کشورهای غربی هنگامیکه در صدد استعمار کشورهای اسلامی شدند بعضی از دانشمندان شان را گماشتند تا شرق اسلامی را مطالعه نمایند تا زمینه‌ء استعمار آن‌ها آسان گردد. و ملاحظه می‌گردد که یک نزدیکی و تعاون خاص میان این سه گانه شوم (تنصیر، استشراق و استعمار) موجود بوده و است، و استعمار گران، مستشرقین (خاورشناسان) و دعوتگران مسیحیت را کمک می‌کنند زیرا از آن‌ها در پلان‌های شوم استعماری شان استفاده می‌نمایند.

عقیده‌ی مسیحیت

خداوند متعال مسیح (عیسی) علیه السلام را بسوی بنی اسرائیل فرستاد، دعوت

۱- التنصیر فی البلاد الإسلامية ص: ۳۹.

او به توحید خالص و دین سهل و آسان و گوارا و پرستش خدای یگانه دور از هرگونه پیچیدگی و تعقید و تحریف و تأویل خارج از ذهن بود. اما اکنون دین مسیحیت به یک عقیده باطل و فلسفه پیچیده تبدیل شده که پیروانش در آن گم گشته‌اند و در مدح و ستایش مسیح آن چنان مبالغه کردند که او را از انسان بودن به مرز خدائی رسانیدند و گفتند: «مسیح پسر خدا است» و «خداوند فرزندی برای خود اختیار کرده» و «خدا همان مسیح پسر مریم است» -والعیاذ بالله-.

به این ترتیب از خدای واحد و صمد که نه کسی را زاده و نه از کسی زاده شده، خانواده‌ای به وجود آوردند که از سه عضو تشکیل شده که همگی خدا هستند! یعنی: رب، پسر و روح القدس (جبریل). و معتقداند که مریم - علیها السلام - مادر مسیح است لیکن او را نیز به درجه تقدیس و پرستش رسانیدند و گفتند: «مریم مادر خدا است»، تا جائیکه در کلیساها مجسمه‌ها و تصاویری از مریم - علیها السلام - نصب کردند که هنگام راز و نیاز در مقابلش گردن خم می‌کنند.

از همین جاست که پیامبر بزرگ اسلام ﷺ امتش را از افراط در ستایشش باز داشته چنانکه می‌فرماید: «مرا بیش از حد مدح و توصیف ننمائید چنانکه نصاری پسر مریم را بیش از حد مدح نمودند همانا من یک بنده هستم، پس بگوئید: بنده و فرستاده خدا»^(۱).

مسیحیت امروزی بر سه بنا استوار است:

۱- عقیده تثلیث یا خدایان سه گانه.

۲- صُلب یا (به دار کشیده شده) و تقدیس آن و فدا شدن مسیح عليه السلام.

۳- محاسبه مسیح با مردم در روز رستاخیز.

اول: عقیده تثلیث یا خدایان سه گانه:

مسیحیان معتقد به پروردگار و خالق بزرگ می‌باشند زیرا آن‌ها اهل کتاب‌اند مگر عیسی علیه السلام (پسرا) و روح قدس (جبریل) را با او شریک می‌گردانند. و در این مسأله اختلاف و تفاوت میان کلیساهای آن‌ها وجود دارد که چگونه این معما را با یکدیگر ارتباط دهند، می‌گویند: جوهر و اصل سه گانه، و این قول را به وحدانیت در مثلثی و یا مثلث در وحدانیت تفسیر می‌نمایند^(۱).

فرقه‌ای از آن‌ها معتقد بر آنند که مسیح علیه السلام انسان محض است. و گروه دیگری می‌گوید: پدر و پسر و روح قدس سه اشکال مختلفی‌اند که خداوند خویش را در صورت آن‌ها ترسیم نموده و به مردم آشکار کرده است. پس خداوند -به گمان آن‌ها- ترکیب شده از سه اصل یا جوهر است: پدر، پسر و روح القدس؟ پسر (مسیح) از خداوند (پدر) بیرون آمده و در صورت روح القدس (جبریل) و در جسد مریم انتقال نمود و به شکل زنی ظاهر گردید سپس به شکل عیسی علیه السلام از مریم بدنیا آمد.

گروه دیگری می‌گویند: پسر مانند پدر، ازلی نبوده بلکه مخلوقی مانند سایر مخلوقات است از همین جاست که او پائین‌تر از پدر بوده تابع و منقاد اوامر وی می‌باشد.

گروه دیگری روح القدس را از این اصل سه گانه بیرون می‌آورند. انجمن نیقیه در سال ۳۲۵ میلادی و گردهمایی قسطنطنیه در سال ۳۸۱ میلادی تصویب نمودند که پسر و روح القدس در الوهیت با پدر مساوی‌اند، و پسر در

ازل از پدر زایده شده است و روح القدس از پدر صادر گردیده و تجلی یافته است.

و گردهمایی طلیطله در سال ۵۸۹ میلادی تصویب نمود که روح القدس از پسر بیرون آمده است.

به این ترتیب کلیساهای غربی و شرقی در این نقطه با هم اختلاف ورزیدند و تا حال ادامه دارد. چنانکه گروهی از آنها مریم -علیها السلام- را نیز مانند پسر به مرتبه الهیت رسانیدند^(۱).

این بود عقیده مسیحیت در مورد تثلیث که بطور مختصر آن را ذکر نمودیم.

از سخنان گذشته چنین بر می آید: وحدانیت خداوند تعالی امر حقیقی هست و سه گانه بودن (تثلیث) نیز حقیقت دارد. و هر یکی از آنها مشخصات و ممیزات خاصی خود را دارد که با دیگر فرق دارد، و در عین زمان، هر سه یک جوهر و اصل دارند و یک ذات هستند و در قدرت و ارجمندی با هم برابرند و در خلقت نیز از یکدیگر پیشی ندارند.

این نظریه حیران کننده‌ای است!!

اگر انسان عاقل این عقاید را به صورت درست بیاندیشد در می یابد که آنها معتقد به سه ذات‌اند و هر یک از خود مشخصات جداگانه دارد، و مسأله وحدانیت مجرد دعوی بوده که به صورت درست واضح نیست زیرا می گویند: سه اصل یک است مانند: $۱ + ۱ + ۱ = ۱$ که هیچ عاقلی آن را قبول نمی کند.

خلاصه مطلب این است که آنها سه خداوند دارند و زیر پوشش نام خدا آن را به مردم عرضه می نمایند و می گویند: ما خداوند یکتا را می پرستیم

(خاک را به چشمان مردم می‌پاشند).

از همین جاست که قرآن کریم آن‌ها را از این یاهو گوئی‌ها منع نموده گمراهی آنان را بیان می‌دارد، خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَعَامِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٧١﴾ [النساء: ۱۷۱].

ترجمه: «ای اهل کتاب! در دین خود غلو مکنید، و در باره خدا جز حق مگوئید، بیگمان عیسی مسیح پسر مریم، فرستاده خدا است، و او کلمه خدا (یعنی پدیده فرمان: «گن») است که خدا آن را به مریم رساند (و بدین وسیله عیسی را در شکم مریم پروراند) و او دارای روحی است که از سوی خدا (به کالبد مریم دمیده شده است). پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و مگوئید که (خدا) سه تا است، (از این سخن بپوچ) دست بردارید که به سود شما است. خدا یکی بیش نیست که او الله است محال است که فرزند داشته باشد و حال آنکه از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، و کافی است (که تنها) خدا مدبر (مخلوقات خود) باشد».

این عقیده پیچیده و گنگ که جواب قناعت بخش ندارد بسیاری از پیروان مسیحیت را در دو راهه قرار داده است. حالا بطور مثال قصه‌ای از هزاران قصه‌های گرویدن مسیحیان به اسلام را خدمت تان ذکر می‌کنم: «راجین هولد شوارش که از کشور پولند و از خانواده مربوط به مذهب پروتستان می‌باشد و حالا مشرف به اسلام گردیده است، حکایت می‌کند که من از کودکی علاقه خاصی به مسائل دینی داشتم، و آغاز به مطالعه و خواندن عقیده کلیسا نمودم مگر آنچه را که آموختم باور کردنی و قناعت

بخش نبود... زیرا نتوانستم مسأله تثلیث (خدا یان سه گانه) را درست بفهمم و کلیسا نیز در این مورد جواب منطقی نداشت... و سوال‌هایی در ذهنم خطور می‌کرد که چطور مسیح ﷺ خود را پسر خدا می‌نامد در حالیکه در انجیل یوحنا سِفْر هفتم می‌گوید: «من نمیتوانم عملی را خودم انجام دهم...» و در سِفْر پنجم انجیل متی می‌گوید: «ای مردم! پروردگار تان را پرستش و اطاعت کنید...». و در این مورد با بعضی از علمای دینی مسیحیت مناقشه نمودم مگر کسی از آن‌ها قادر به دادن جواب قناعت بخش نشد، سپس در پی کتاب‌های دین هندویی و بودایی و بعضی ادیان دیگر شدم ولی در هر کدام صدها خدا وجود داشت که دلم به هیچ کدامی از این مذاهب آرام نمی‌گرفت، تا اینکه کتابی از اسلام بدستم رسید که معلومات کوتاهی در باره اسلام داشت ولی تصمیم گرفتم که تلاش به خرج دهم و معلومات کافی در باره اسلام بدست آورم... همین بود که دوستان مسلمان یافتیم و از آن‌ها در مورد اسلام معلومات خواستیم و آن‌ها کتاب‌های زیادی را در دسترس قرار دادند تا اینکه دلم آرام گرفت و گم شده ام را دریافتم»^(۱).

این بود عقیده تثلیث یا خدایان سه گانه و یا خانواده‌ای که همه شان خدا اند که هر خواننده ای را به شگفت می‌آورد.

دوم: عقیده صَلْب یا بدار آویخته شدن مسیح ﷺ و مقدس دانستن آن:
 علامه صلیب، شعار مسیحی‌ها بوده آن را مقدس میدانند، آن‌ها اعتقاد دارند که مسیح ﷺ در دو چوب متقاطع به دار آویخته شد. اینکه چرا به دار آویخته شد چنین تعلیل می‌کنند: مسیح ﷺ بخاطر جبران و کفاره گناه

۱- لماذا اعتنقت الإسلام از فوزی الحلبی ص: ۱۶.

پدر انسان‌ها (آدم عَلَيْهِ السَّلَام)، هنگامیکه از درختیکه ممنوع قرار داده شده بود خورد، گناه این نا فرمانی به اولاد آدم منتقل گردید و خداوند بر همه اولاد آدم خشمگین است، لذا واسطه و خلاص گری بکار است که گناهان را متحمل شود و خود را فدای همه نماید تا خداوند راضی گردد.

این مرد فدا کار عیسی عَلَيْهِ السَّلَام بود که خود را فدائی کرد و به دار آویخته شد^(۱).

اینکه چه کسی او را بدار آویخت در کتاب‌های انجیل قصه آن ذکر شده که ما بطور مختصر آن را ذکر می‌کنیم:

مسیحی‌ها اعتقاد دارند که مسیح عَلَيْهِ السَّلَام را یهودیان به قتل رسانیده‌اند زیرا به گمان یهود مسیح عَلَيْهِ السَّلَام به خداوند کافر شده است و یکی از پیروانش که یهوذا اسخریوطی نام داشت در مقابل مال، جای بود و باش او را به یهودیان افشاء نمود و همین بود که شب روز جمعه گرفتار گردید و به خانه یکی از کاهن‌های یهودی انتقال داده شد و بعد از تحقیق در محکمه حکم اعدام را بر او صادر نمودند، سپس به سوی مرکز ولایت رومانی‌ها بردند و به دار آویختند، و شب هنگام او را از دار پائین کردند و در قبری گذاشتند. و بعد از گذشت دو روز، هنگامیکه بالای قبر آمدند، قبر را خالی یافتند، همین بود که بعد از چهل روز خداوند وی را به آسمان بلند کرد، مگر ذکر این قصه در کتاب‌های انجیل با اشکال مختلف بیان گردیده که اینجا گنجایش ذکر آن نیست^(۲).

حقیقت امر چیست؟

۱- دراسات فی الأدیان ص: ۳۰۴.

۲- دراسات فی الأدیان ص: ۳۰۶.

قوم بنی اسرائیل به سبب داشتن عقیده توحید در هر زمانی از سائر ملت‌های معاصر خود ممتاز بودند اما به علت همسایگی و همنشینی با قبیله‌های بت‌پرست مشرک و گذشت زمان طولانی از تعلیمات پیامبران، عقاید نادرست و عادات جاهلی به سوی آن‌ها جریان پیدا کرد. عیسی علیه السلام آنان را به توحید خالص و رهائی از تمام آن چه که از عادات جاهلی و عقاید باطل بود فرا می‌خواند، چون ترک این همه بر یهودیان گران آمد، علیه او به پیکار برخاستند و باکمان واحد به سوی تیر پرتاب می‌نمودند و او را آماج تهمت‌ها و سخنان بیهوده خود قرار می‌دادند و دشنام‌های زشت و گستاخانه را در مورد او به کار می‌بردند، و مادرش -مریم بتول- را دشنام می‌دادند و طعنه می‌زدند. سپس تصمیم به قتلش گرفتند تا از او خلاصی یابند، پس موضوع را به حاکم رومی عرضه داشته و گفتند: او مرد شورشی و هرج و مرج طلب است که از دین ما برگشته، جوانان را فریفته و شیفته خود نموده، وجودش خطری برای حاکمیت است، چون در برابر نظام (حکومت) هیچ نرمشی نشان نمی‌دهد و مقید به قانون نیست، این سخنان پر از نیرنگ و زیرکی بود و رنگ سیاسی را به همراه داشت زیرا یهودیان خوب میدانستند که جنبه دینی حکام را تحریک نمی‌کند لذا سخنان خود را به سیاست آمیختند.

فرمانروایان بیگانه مشرک که سر گرم اداره امور بودند حقیقت امر را نمی‌دانستند و از کینه ورزی‌های یهود و دشمنی آن‌ها با مسیح علیه السلام را به آسانی درک نمی‌کردند، همین بود که بعد از پافشاری یهود و رفت و آمدهای مکرر آنان حکام وقت تصمیم گرفتند تا ازین قضیه خود را خلاص کنند.

عصر روز جمعه بود و فردایش روز شنبه که یهودیان درین روز کار نمی‌کردند و روز تعطیل عمومی بود اما آنان بسیار حریص بودند تا حکم قبل از غروب آفتاب روز جمعه صادر گردد و روز شنبه را با خیال راحت

استراحت نمایند، همین بود که حکم قتل او به وسیله صلیب صادر گردید. بعد از صادر شدن حکم اعدام مسیح علیه السلام عده‌ای از یهودیان و جوانان هیجان زده ای که آرزوی از بین بردن وی را داشتند، میخواستند هر چه زودتر به محل دار برسند، مسیح علیه السلام که بسیار خسته و ناتوان شده توانائی تند رفتن را نداشت. درین شرایط، مأمور نگهبان مسیح به جوان اسرائیلی دستور داد تا چوبه دار را حمل کند، این جوان از دیگر دوستانش پر جوش و خروش تر و احساساتی تر و ابله تر بود و میخواست هرچه سریع تر این امر به پایان رسد، به این ترتیب جمعیت به دروازه محل چوبه دار رسیدند، نگهبانان محل چوبه دار پیش آمدند و دست جوان حامل صلیب را گرفتند، ناله و فریاد از هر سو بلند شد، آن جوان نیز فریاد می‌زد و می‌نالید که او بیگناه است ولی نگهبانان که از رومیان بودند زبانش را نمی‌فهمیدند و هیچ توجهی به این داد و فریاد نکردند آن‌ها جوان را گرفته حکم را در مورد او اجرا کردند و یهودیان نیز از دور ناظر حادثه بودند، دنیا در تاریکی شب فرو رفته بود و آن‌ها قطعاً یقین داشتند کسی که به صلیب کشیده شده مسیح است.

اما خداوند مسیح را از کید و مکر یهود رها نید و به سوی خود فرابرد^(۱).

خداوند درین مورد خبر می‌دهد: ﴿وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَنًا عَظِيمًا ﴿١٥٦﴾ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن سُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿١٥٧﴾ بَل رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٥٨﴾﴾ [النساء: ۱۵۶ - ۱۵۸].

ترجمه: «و (خداوند بر آنان خشم گرفت) به سبب کفر ورزیدن شان ، و

افترای بزرگی که بر مریم بستند. و میگفتند که: ما عیسی پسر مریم، پیغمبر خدا را کشتیم! در حالی که نه او را کشتند و نه بدار آویختند، و لیکن کار بر آنان مشتبه شد و کسانی که در باره او اختلاف پیدا کردند (همگی) راجع به او در شک و گمانند و آگاهی بدان ندارند و تنها به گمان سخن می گویند، و یقیناً او را نکشته‌اند (و قطعاً مقتول کس دیگری بوده است) بلکه خداوند او را در پیش خود به مرتبه والائی رساند و خداوند توانا و حکیم است».

سوم: محاسبه مسیح علیه السلام با مردم در روز رستاخیز:

مسیحیان به این گمانند که عیسی علیه السلام محاسبه مردمان را در روز قیامت بدست خواهد گرفت، بدلیل نامه دوم پاولز که به اهل کورنتوش فرستاده: «(۱۰/۵)» «حتماً همه ما در مقابل تخت مسیح حضور خواهیم یافت تا باهرکسی مطابق کارهای خیر یا شرش محاسبه صورت گیرد و پاداش آن را حاصل نماید».

ولی اعتقاد مسلمانان اینست که خداوند تعالی در روز قیامت خودش محاسبه و تصفیه حساب بابدگانش خواهد کرد و پیامبران همه گواهی بر امت‌های شان خواهد بود^(۱).

و لیکن اعتقاد مسیحیان جز خیال پروری نیست، زیرا عیسی علیه السلام مانند سائر انبیاء در میدان حشر خواهد ایستاد، بلکه خداوند مسیح علیه السلام را مورد باز پرس قرار خواهد داد، قرآن کریم این مشهد عظیم را چنین ترسیم می کند: ﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمَّيَّ إِلَهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ قَال سُبْحٰنَكَ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّٓ إِن كُنْتَ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ

أَنْتَ عَلَّمَهُ الْغُيُوبِ ﴿۱۱۶﴾ [المائدة: ۱۱۶].

ترجمه: «و (خاطر نشان ساز) آنگاه را که خداوند می‌گوید: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفته‌ای که جز الله، من و مادرم را هم دو خدای دیگر بدانید، عیسی می‌گوید: تو را منزّه از آن می‌دانم که دارای شریک و انباز باشی، مرا نسزد که چیزی را بگویم که حق من نیست، اگر آن را گفته باشم بیگمان تو از آن آگاهی، تو از راز درون من هم با خبری و من از آنچه بر من پنهان می‌داری بی‌خبرم، زیرا تو دانندهٔ رازهایی و به همهٔ اسرار غیب آگاهی»^(۱).

عبادات

عبادات مختص به کلیسا هست و هر کسی در هر کجا نمی‌تواند عبادت کند. مابطور مختصر عباداتی را که مسیحیان انجام می‌دهد ذکر می‌نمائیم:

۱- غسل تعمید (Baptism): این عبادت قبل از وارد شدن در آیین مسیحیت انجام می‌گیرد تا از گناهان گذشته پاک گردد، در داخل کلیسا حوضی وجود دارد و در آنجا اطاق مخصوص غسل تعمید با افراد خاص موجود می‌باشند، و بعد انتهایی غسل به او اجازهٔ شرکت در عشای ربانی (غذای مقدس) داده می‌شود.

۲- عشای ربانی (غذای مقدس): پس از پذیرفتن آیین مسیحیت این مهمترین رسم عبادتی است که به عنوان یاد بود قربانی حضرت مسیح صلی الله علیه و آله انجام می‌گیرد، درین محفل سرودها خوانده می‌شود، سپس حاضرین سر و صورت یکدیگر را می‌بوسند و مبارک باد می‌گویند، بعد از آن شراب و نان

آورده می شود و میان حاضرین تقسیم می کنند، نان به جسم مسیح و شراب به خون مسیح تبدیل می شود، (اگرچه به ظاهر هیچ تغییری پیدا نمی شود).

۳- نماز (حمد خوانی) در صبح و شام نماز دارند اما تعداد رکعات معلومی ندارد و نماز شان عبارت از دعاها، تسبیحات و سرودها می باشد، همچنین به جا آوردن نماز و روزه اختیاری است.

۴- روزه: روزه مسیحیان امتناع از خوردن غذای چرب و آنچه از حیوانات گرفته می شود (مثل گوشت و شیر و...) و اکتفاء به خوردن حبوبات می باشد، و مدت روزه و کیفیت آن در فرقه های مختلف متفاوت است.

۵- اعتراف: خلوت با عالم دینی و اعتراف نمودن به آنچه مرتکب شده است، این اعتراف گناهان وی را مورد عفو قرار می دهد و عقوبتی بر وی لازم نمیگردد.

۶- سند مغفرت: این سند را هر که بخرد همه گناهان گذشته و آینده اش مورد عفو قرار می گیرد، این سندها قیمت های متفاوتی دارد شاید شخصی در بدل پرداخت پول بیشتر به کلیسا، صاحب چند متر جایداد در جنت گردد^(۱).

کتابهای مسیحیان

کتابهای مسیحیان به دو دسته تقسیم می گردد:

- **عهد قدیم:** یعنی تورات که اصل و جوهر دیانت مسیحیت بشمار می رود.

• **عهد جدید:** عبارت از انجیل‌های معتبر و موثوقی است که کلیساها در قرن سوم میلادی به آن اعتراف داشتند، قرار ذیل است:

۱- انجیل متی

۲- انجیل مرقص

۳- انجیل لوقا

۴- انجیل یوحنا

اولاً: انجیل متی: متی یکی از شاگردان دوازده نفری مسیح ﷺ بود که انجیل را به زبان عبرانی و سریانی تدوین نموده بود، و قدیمی‌ترین نسخه آن به زبان یونانی دریافت شده است، چنانکه اختلاف زیاد در مورد اینکه چه کسی انجیل را تدوین و ترجمه نموده است وجود دارد.

دوم: انجیل مرقص: نویسنده آن یوحنا نام دارد که از جمله هفتاد نفری است که مسیح ﷺ آن‌ها را برای دعوت و نشر دین مسیحیت اختیار نموده بود، او مرد فعال در نشر دین مسیحیت بود خصوصاً در شمال افریقا و روم، و در سال ۶۲ میلادی به قتل رسید.

سوم: انجیل لوقا: او مرد طبیب و رسام و اصلاً یهودی بود، او یکی از همراهان پاولز در سفرها و اقامتش بود، و از شاگردان مسیح ﷺ بشمار نمی‌رود.

چهارم: انجیل یوحنا: او یکی از یاران ابن صیاد بود که مسیح ﷺ او را خیلی دوست میداشت، ولی بعضی می‌گویند که او شخصی مجهولی است که به تنهائی قایل به عقیده تثلیث و اله بودن عیسی ﷺ در ابتدای تاریخ مسیحیت بود.

به نظر می‌رسد که انجیل‌های چهار گانه را مسیح ﷺ نوشته و نویسندگان آن سوبه و اهلیت آن را نداشتند تا علمای دین باشند، چنانکه

شروط و اصول روایت که باید در مورد کتاب آسمانی وجود داشته باشد دیده نمی‌شود^(۱).

علاوه بر این کتاب‌ها، بیست و دو نامه دیگر وجود دارد که منسوب به پاولز و یعقوب و یوحنا و یهودا می‌باشد.

تحریف در کتاب‌های انجیل

مسیح صَلَّى مانند سایر پیامبران صَلَّى با دین حق و عقیده ناب توحیدی از جانب خداوند عَلَّامٌ به مردم فرستاده شد، دین آسمانی که یکتاپرستی و توحید در همه عباداتش آشکار بود، مگر امروز این دین بصورت کامل با اصل آن فرق دارد و کاملاً تحریف گردیده است.

اینکه چرا مسیحیت از خط سیر اصلی‌اش تخطی نموده عوامل زیادی دارد که مهمترین آن را خدمت تان یاد آور می‌شویم:

أ- مستضعف و مغلوب بودن پیروان این دین:

هر حرکت و نهضتی ضرورت به آرامش و امنیت دارد تا زیر سایه آن جان بگیرد و به پیش رود و در مقابل اگر فضای نا آرام بالای این حرکات حاکم باشد، از بین رفته و متلاشی می‌گردد.

مسیحیت از اولین روزگارش مورد هجوم دشمنان قرار گرفت، مسیح صَلَّى از جانب یهودیان مراقبت و تعقیب می‌گردید، بلکه می‌کوشیدند تا وی را به قتل برسانند ولی خداوند او را نجات داد و به سوی خود فرا خواند.

بعد از بالا رفتن مسیح صَلَّى شخصیت‌ها و بزرگان این دین از جانب یهودیان به قتل رسیدند، این امر باعث شد تا پیروان مسیح صَلَّى فرار نمایند و به هر گوشه و کنار پنهان گردند، از جانب دیگر حملات امپراطوران رومانی

۱- کنت نصرانیاً ص: ۱۳-۱۷ و دراسات فی الادیان ص: ۱۹۱ ومابعده.

که در سال‌های ۷۱ میلادی و ۱۳۵ میلادی بر مناطق شام صورت گرفت، مسیحیان هر چه بیشتر مظلوم و ستم‌دیده شدند، به این ترتیب دعوت‌گران و علمای مسیحیت نتوانستند به صورت درست و در فضای آرام عقیده و دعوت شان را به پیش ببرند و نشر نمایند، چنانکه نشر تعلیمات و افکار مخالف با عقیده اصیل مسیحیت و پخش کتاب‌ها و رسائل دروغینی که منسوب به دعوت‌گران اوائل مسیحیت بود، جایگزین عقیده توحید و ناب این دین گردید.

ب: تلف شدن انجیل و گسستن سند آن:

انجیل‌هایی که امروز در دسترس مسیحیان قرار دارد نسبت هیچکدامی از آن‌ها به عیسی علیه السلام درست نبوده و اثری از انجیل عیسی علیه السلام در آن‌ها دیده نمی‌شود، زیرا مسیحیان در تدوین و نوشتن انجیل بعد از بلند شدن عیسی علیه السلام اعتنایی نکردند، و از اینجاست که بعد از گذشت مدت زمان طولانی انجیل‌های مختلف نوشته و روی کار شد که نویسنده و مآخذی که به آن اتکاء کرده بود به صورت درست واضح و معلوم نیست.

و آن‌عه اشخاصیکه انجیل‌های موجوده را نوشته‌اند مردمان معصوم نبودند، لذا خطاهای زیادی که از فطرت انسان‌ها است در آن رخ داد، پس چطور بالای چنین کتاب‌هاییکه پر از خطاء و انحراف باشد می‌توان اعتماد کرد؟!

ج: پاولز یهودی:

پاولز یکی از سرسخت‌ترین دشمنان مسیح علیه السلام و مرد متعصب یهودی بود که در محیط پر از شرک و بت‌پرستی مختلف در شهر طرسوس پرورش یافته بود.

پاولز کوشید تا به هر شکلی که شود خود را به مسیحیت و حواری‌ها

(شاگردان عیسی علیه السلام) نزدیک کند، ولی مورد قبول آنها قرار نمی‌گرفت زیرا از تعصب و عداوت شدیدی که علیه عیسی علیه السلام و پیروانش داشت آگاه بودند، وی به واسطه و آشنائی شخصی از حواری‌ها بنام (برنایا) توانست در ردیف مسیحیان قرار گیرد و بعد از مدتی کمی یکی از پیشتازان دعوت مسیحیت گردد.

او مرد فعالی بود و در مناطق مختلف برای دعوت می‌شتافت ولی نظر به نیرنگ، عداوت و تعصب شدیدی که در مقابل مسیحیت داشت توانست این دین را از خط سیر اصلیش منحرف سازد و عقاید و افکار شرکی و بت‌پرستی را به مردمان عرضه نماید.

نامه‌هایی که از پاولز بجا مانده است بیانگر آنست که با عقیده ناب مسیح علیه السلام مخالف بوده است که بطور مختصر مهمترین نکات آن را خدمت تان عرض می‌داریم:

۱- ادعا نمودن پاولز بر اینکه مسیح علیه السلام پسر خدا است: این مفکوره در سخنان و نامه پاولز که بسوی غلاطیه فرستاد واضح میباشد، سپس این مفکوره میان پیروان دین مسیحیت و انجمن‌های آنان مروج گردید تا اینکه یکی از مهمترین پایه‌های عقیدتی آنان باقی ماند^(۱) ولی در انجیل متی و یوحنا روایات مغایر با این مفکوره وجود دارد مبنی بر اینکه مسیح علیه السلام خویش را بنده و فرستاده خداوند عزوجل معرفی نموده است^(۲).

۲- پاولز ادعا داشت که هدف از آمدن مسیح علیه السلام به دار آویختن او است

۱- سفر اعمال الرسل عن بداية دعوة بولس (۲۰ / ۹) و نامه پولس بسوی غلاطیه (۴ / ۴).

۲- انجیل متی ۲۰ / ۱۸ و انجیل یوحنا ۴۰ / ۱۸.

تا گناهان بنی آدم به این وسیله محو گردد، این مفکوره در نامه ای رومیه و نامهء که بسوی کورنثوس فرستاده بود واضح است^(۱). ولی در انجیل متی و مرقص خلاف این ادعا وجود دارد، اینکه مسیح علیه السلام بخاطری فرستاده شده است تا مردم را به توبه و رجوع به خدا امر نماید^(۲).

۳- پاولز ادعا داشت که مسیح علیه السلام از طرف خدا بسوی همهء بنی آدم فرستاده شده است^(۳) مگر این ادعا را انجیل متی رد نموده از قول مسیح علیه السلام روایت می کند: «فرستاده نشدم مگر بسوی مردمان خرافاتی و گمراهان بنی اسرائیل»^(۴) چنانکه قرآن کریم نیز رسالت عیسی علیه السلام را مختص به بنی اسرائیل بیان داشته است^(۵).

۴- پاولز شریعت موسی علیه السلام را از میان برد و ادعا نمود که انسان تنها با ایمان نجات می یابد و ضرورت به عمل نیست^(۶)، هنگامیکه پاولز اعلان کرد که شریعت و دعوت مسیح علیه السلام برای همهء مردم است، یهودیان مخالفت شان را با این مفکوره اعلان داشتند. پاولز میدانست که وجود شریعت موسی علیه السلام مانع دعوت وی می گردد لذا ابطال و الغای این شریعت را اعلان داشت، سپس دیگر شاگردان نیز با وی متفق شدند و همهء اعمال و اموری که بر بنی اسرائیل واجب

۱- رومیه ۳/۲۳ و ۵/۶ و نامهء پاولز بسوی کورنثوس ۵/۲۱.

۲- انجیل متی ۹/۱۳ و انجیل مرقص ۱/۱۲.

۳- رومیه ۱۱/۱۳ و غلاطیه ۱/۱۵ و افسس ۳/۸.

۴- انجیل متی ۱۰/۵.

۵- آل عمران: ۴۹.

۶- رومیه ۲/۱۶.

بود از میان بردند، بجز خودداری از زنا، خوردن گوشت حیوان خفه شده (حیوانکه بدون ذبح کشته شده باشد) و آنچه که برای بت‌ها ذبح گردد به حکم اولی‌اش باقی ماند^(۱).

ابطال نمودن شریعت موسی علیه السلام مخالف اوامر و دستورات عیسی علیه السلام بود، زیرا شریعت موسی علیه السلام احکام و اوامر خداوند بود که انسان به وسیله آن به خداوند نزدیک می‌گردید سپس شریعت مسیح علیه السلام با احکام و اوامر جدیدی نیامده بود بلکه دعوت مردم به فطرت سالم، توبه و اصلاح نفوس بود، و انجیل متی گواه بر نقض این عمل است^(۲).

این بود خدمت بزرگ پاولز به مسیحیت که مانند خانهء بدون ستون آن را بجا گذاشت، پاولز و یا هر شخص دیگری این حق را نداشت تا با اوامر و احکام دین متکامل بازی نماید، بلکه این عمل کفر و خیانت بزرگ و جنایتی بیش نیست^(۳).

۵- ابطال و الغای ختنه کردن: مسیح علیه السلام ختنه گردید^(۴) و به آن پابندی داشت زیرا در شریعت موسی علیه السلام نزد یهود، در بارهء ختنه کردن ابراهیم علیه السلام هنگامیکه خداوند متعال او را به ختنه امر کرد دلیل آشکاری در «سفر تکوین» وجود دارد^(۵).

مگر پاولز مسألهء ختنان را به شکل کلی از بین برد چنانکه در رومیه و

۱- اعمال الرسل ۲۸/۱۵.

۲- انجیل متی ۵/۱۷.

۳- دراسات فی الأديان ص: ۳۵۸.

۴- انجیل لوقا ۲/۲۱.

۵- تکوین ۱۷/۱۱.

نامهء او بسوی تیموشاوس ذکر است^(۱).

اگر به دقت ملاحظه گردد، دیانت مسیحیت منحصر به سخنان پاولز است و از مسیح ﷺ جز نام چیز دیگری وجود ندارد^(۲).

د- اثر عقاید و افکار بت پرستی و فلسفه‌ی آن بر مسیحیت:

مسیح ﷺ بسوی مردمان خرافاتی و گمراه بنی اسرائیل فرستاده شد و همیشه به پیروانش تأکید می‌کرد تا در قریه‌های مجاوری که غیر از یهودیان زندگی دارند نروند^(۳)، مگر بعد از گذشت زمان آن‌ها او امر مسیح ﷺ را نادیده گرفتند و به مردمان بت پرست روم و یونان و فارس و غیره رو آوردند. از اینجا واضح می‌گردد که باهم آمیختن و خلط شدن مسیحیان با مردمان بت پرست و عدم جهانی بودن دیانت مسیحیت، نه تنها نتوانست بر دیگر امت‌ها غالب‌اید بلکه رنگ بت پرستی را بخود گرفت و دین تحریف شده‌ای بیش باقی نماند^(۴).

علمای ادیان و تاریخ معتقداند که مسیحیت رنگ و روش دیانت‌های شرکی و بت پرست را بخود گرفت، لذا عقیدهء (تثلیث یا سه جوهری که همه خداوند) و عقیدهء (به دار کشیدن خدا بخاطر محو گناهان بنی آدم) و عقیدهء (خدا به شکل جسمی از زن پاکدامنی متولد گردید -والعیاذ بالله-) همهء این اعتقادات در دیانت‌های ماقبل یهود و مسیحیان وجود داشت. این اعتقاد نزد هندوها، بودائی‌ها، مصر قدیم، فارس، یونان، روم، آشوری‌ها،

۱- رومیه ۲/ ۲۸ و نامهء پاولز به سوی تیموشاوس ۱/ ۱۵.

۲- دراسات فی الأديان ص: ۳۶۰.

۳- انجیل متی ۵/ ۱۰.

۴- دراسات فی الأديان ص: ۳۶۰.

وینیقی‌ها، اسکندونی‌ها، و تنارها، مردمان مکسیک و کانادا نیز رائج بود^(۱). چنانکه افکار و معتقدات امپراطور روم (قسطنطین) تأثیر قوی بر دیانت مسیحیت نمود. قسطنطین که مرد بت‌پرست و در عین وقت بی‌خبر از دیانت مسیحیت بود، توانست مسیحیان را از ظلم و جور و ستم یهودیان رومانی نجات دهد، ولی اختلافات مسیحیان وی را مجبور ساخت تا انجمنی را در سال ۳۲۵م تشکیل دهد، وی در این انجمن به نظریات مردمانی که به خدا بودن مسیح علیه السلام معتقد بودند میلان داشت لذا افکار و معتقدات شرکی تصویب گردید و هر کسی که مخالف آن بود به وسیله زور سلطان با وی معامله صورت می‌گرفت، حالا واضح شد که مسیحیت اعتقاد به سه خدا دارند و با زور سلطان منتشر گردیده است. چنانکه انجمن‌های مسیحیت که در سال‌های ما بعد تشکیل یافت، اساس دین مسیحیت را مطابق هوی و هوس شان گذاشتند و هر کسی با آن‌ها مخالفت می‌نمود مورد تکفیر قرار می‌گرفت^(۲).

طوایف مسیحیت

بعد از اینکه امپراطور روم انجمن نیقیه را تشکیل داد مسیحیان به دو فرقه بزرگ منقسم گردیدند. یکی فرقه اریوسیه که آن‌ها معتقد به بشر بودن و مخلوق بودن مسیح علیه السلام بودند، و فرقه دومی پاولزی بود که ادعا داشتند که مسیح علیه السلام پسر خداوند متعال است. این فرقه به سه مذهب مختلف تقسیم شد که عبارت‌اند از: کاتولیک، ارتودکس و پروتستان که

۱- مرجع سابق.

۲- دراسات فی الأدیان ص: ۳۶۳.

بارزترین عقاید این سه گروه را خدمت تان ذکر می‌کنیم.

اول: فرقهء کاتولیک:

این فرقه پیروان پاپ در روم هستند و مهمترین معتقدات شان قرار ذیل است:

* طلاق را حرام قرار دادند حتی در حالت زنا.
این فرقه در اروپای غربی و امریکای جنوبی زندگی دارند.

دوم: فرقهء ارتودکس:

این فرقه پیروان کلیسای شرقی در قسطنطنیه می‌باشند که مهمترین معتقدات شان قرار ذیل است:

- روح قدس تنها از پدر بیرون آمده است.
- طلاق را حرام قرار می‌دهند مگر در حالت زنا جائر میدانند.
- زیر یک پرچم یا رئیس جمع نمی‌شوند بلکه هر کلیسا خود مختار و مستقل است.
- این فرقه در اروپای شرقی و روسیه منتشر است.

سوم: فرقهء پروتستان (انجیلی‌ها):

این فرقه منسوب به مارتن لوتر می‌باشد که در اوایل قرن ۱۶ میلادی در آلمان ظاهر گردید، وی می‌خواست تا اصلاحاتی را در کلیساها به وجود آورد. و مهمترین معتقدات این فرقه قرار ذیل است:

- سندهای مغفرت همه دروغ و افترا است و گناهان بجز از توبه و ندامت بخشیده نمی‌شود.
- هر کسی حق دارد و می‌تواند انجیل را بخواند و بفهمد بدون رجوع به کلیسا.

- آویختن تصاویر و مجسمه‌ها در کلیسا حرام است، زیرا این کار از پدیده بت پرستان است.
 - رهبانیت و گوشه نشینی ممنوع است.
 - در مورد غذای مقدس (شکرانه) که بخاطر یاد بود از آویخته شدن مسیح ﷺ برپا می‌دارند و ادعای مسیحیان بر اینکه خوردن نان و نوشیدن شراب به خون و گوشت مسیح ﷺ مبدل می‌گردد، آن‌ها این ادعا را انکار و تقبیح نمودند.
 - کلیساها رئیس مشخصی ندارد تا پیروی تام از وی صورت گیرد. این فرقه در آلمان و برطانیه و امریکای شمالی وجود دارد^(۱).
- علاوه بر این سه مذاهب و فرقه بزرگ مسیحیت، فروع دیگری نیز وجود دارد که به ذکر نام‌های آن اکتفا می‌کنیم: فرقه مارونی، فرقه جزویت، فرقه مورمون، فرقه اپوس دی و فرقه مونیه و غیره^(۲).

دعوت به مسیحیت

مهمترین اهداف داعیان مسیحیت:

چنانکه واضح است رابطه عقیدوی قوی‌ترین روابط میان انسان‌ها به شمار می‌رود، از همین جاست که داعیان مسیحیت می‌کوشند تا مسلمانان را به خود جلب نمایند و دوستی و محبت خویش را در قلب‌های شان جایگزین نمایند، این یک وسیله قوی و مؤثر برای تصرف و استعمار کشورها است که ضرورت به جنگ‌های خونین و پر مصرف ندارد، آن‌ها درک

۱- دراسات فی الأديان ص: ۳۷۴-۳۷۶ و الموسوعة الميسرة ۲/ ۵۸۳.

۲- الموسوعة الميسرة ۲/ ۲۶۲.

نموده‌اند که از این راه می‌توانند ثروت و دارائی مسلمانان را به غارت ببرند، وحدت و یکپارچگی مسلمانان را از راه مردمان منحرف و سیاستمداران بی‌دین برهم زنند، در تعلیم و نصاب مدارس آن‌ها مستقیماً مداخله نمایند تا روح دین دوستی و محبت با اسلام را ریشه کن نمایند، اینجاست که زمینه برای دعوتگران مسیحیت مهیا می‌گردد و به فعالیت‌های شان هر چه بیشتر توسعه می‌بخشند.

ما بطور مختصر اهداف طویل مدت و کوتاه مدت دعوتگران مسیحیت را ذکر می‌نمائیم، خدا کند در راه جلوگیری از نشر و پخش این زهر خطرناک که می‌خواهند در پیکر سست و ضعیف امت اسلامی امروزی آن را تزریق نمایند، مؤثر واقع گردد، و برادران مسلمانان ما آگاه باشند که دشمنان شان می‌خواهند زهر را با عسل یکجا نموده به آنان تقدیم نمایند.

این اهداف قرار ذیل می‌باشد:

- ممانعت از گرویدن مسیحیان به اسلام خصوصاً در کشورهای که اغلب مردم آن مسیحیان‌اند.
- ممانعت از داخل شدن دیگر امت‌ها به اسلام، و ایستادن در مقابل نشر و پخش دین اسلام، تا مسیحیت جای آن را بگیرد و یا بر همان معتقدات میراثی باقی بمانند.
- بیرون کردن مسلمانان یا بعضی از آن‌ها را از دین اسلام و کوشش در راه واژگون نمودن اسلام در قلب‌های آنان و قطع رابطه آنان با پروردگار شان. این از اهداف طویل‌المدت آن‌هاست.
- پاشیدن تخم شک و تردید در امور بنیادی و اساسی اسلام تا مردم متدین را در شک و اضطراب قرار دهند.
- وانمود کردن بر اینکه دین مسیحیت بهتر از هر دین دیگر است.

- می خواهند به دنیا وانمود کنند که رمز ترقی و پیشرفت غرب در جنگ زدن آن‌ها به مسیحیت است، و رمز عقب ماندگی مسلمانان در مسلمان بودن و دین داری آن‌هاست، این منطق داعیان مسیحیت می‌باشد، لیکن مردمان بی‌دین و ملحد غرب معتقدند که رمز پیشرفت و ترقی غرب در بریدن و دوری آن‌ها از مسیحیت است، و سبب عقب ماندن کشورهای اسلامی همانا دین اسلام و پیروی از آن می‌باشد. البته این عقیده‌شان در باره مسیحیت درست است و واقعاً مسیحیت بطور تحریف شده‌ای که داعیان آن در قرون وسطی به مردم غرب پیش کرده بودند سبب عقب ماندگی غرب در آن زمان بود که وقتیکه آن را ترک کردند همین بود که به ترقی و پیشرفت دست یافتند زیرا دین آن‌ها مخالف علم و حقایق علمی بود، و علمبرداران کلیسا در آن زمان، ساینس دانان بزرگ را بخاطر نظریات ساینسی‌شان که با تعلیمات کلیسا مخالف بود به بدترین وضع تعذیب و اذیت نموده به قتل رسانیدند، برعکس مسیحیت، اسلام دین علم است و پیروانش را همیشه برای آموختن علم تشویق و ترغیب نموده است و علماء و ساینس دانان در اسلام مقام بزرگی دارند و هرگز چنین نشده که حقایق ساینسی با تعلیمات اسلام و مصادر آن در تضاد باشد. لذا با جرأت می‌توان گفت که یگانه سبب عقب ماندگی مسلمانان همانا دوری‌شان از دین اسلام و تعلیمات آن است.
- می‌خواهند مردم غرب و سفید پوست را بهتر از دیگر نژادها معرفی کنند تا زمینه استعمار غرب بر دیگر امت‌ها را آسان سازند و از دارائی و املاک آن‌ها استفاده نمایند.
- می‌خواهند مسلمانان را از آداب و تعالیم دینی‌شان به سوی عادات

و تقلید غرب بکشاند تا در همه احوال زندگی از آنان تقلید نمایند و زندگی خویش را مطابق کلتور و فرهنگ غربی‌ها عیار نمایند، و از آداب و معاشرتی که اسلام مردم را به آن امر نموده است دور شوند^(۱).

این بود اهداف داعیان مسیحیت در کشورهای جهان که بطور مختصر آن را خدمت خوانندگان تقدیم نمودیم.

حالا متن بیانیه‌ی یکی از معروفترین دعوتگران مسیحیت را خدمت تان عرض می‌داریم که در کنفرانس دعوتگران مسیحیت در شهر بیت المقدس در سال ۱۹۳۵ م ایراد نموده بود. این شخص «صموئیل زویمر» نام دارد، وی مهمترین اهداف نشر مسیحیت را در کشورهای اسلامی بیان می‌دارد: «برادران عزیز! کسانی را که خداوند بخاطر جهاد در راه مسیحیت و استعمار نمودن کشورهای اسلامی برگزیده است با توفیق و عنایت خود کامیاب و موفق گردانید.

شما وظیفه‌ی ای را که بدوش تان سپاریده شده بود با تمام اخلاص انجام دادید، و موفقیت بزرگ را حاصل نمودید.

اگرچه یقین کامل دارم که شما وظیفه‌ی تان را با تمام مهارت انجام داده‌اید لیکن بعضی از شما هدف بنیادی وظیفه‌اش را درست درک نکرده است.

من به شما اعتراف می‌کنم، آن‌عهده مسلمانانی که به دین مسیحیت گرویده‌اند مسلمانان راستین نبوده و از سه گروه خالی نیستند: یا اینکه خورد سال بوده‌اند که کسی از خانواده‌اش اسلام را به وی نه آموخته است،

۱- التنصیر: مفهومه وأهدافه ووسائله ص: ۴۵- ۴۹ و التنصیر فی البلاد الإسلامیة ص:

یا اینکه مردیست که دیانت‌ها را به باد مسخره گرفته است و تنها لقمه نان را از این راه برابر می‌کند چون فقر و تنگدستی وی را به این کار واداشته است. و یا اینکه شخصی است که اهداف و اغراض شخصی خویش را از این راه بر آورده می‌نماید.

کشورهای مسیحی که شما را بخاطر دعوت به مسیحیت به کشورهای اسلامی گماشته‌اند، خواهان مسیحی ساختن مسلمانان نیستند زیرا در این کار عزت، کرامت و هدایت آنهاست.

همانا وظیفه شما بیرون آوردن مسلمانان از اسلام است تا رابطه شان با خداوند قطع گردد، همچنان از اخلاق و فضایی که ملت‌ها بر آن اتکا دارند دور گردند، از اینجاست که شما پیشتازان فتوحات استعمار در کشورهای اسلامی هستید، یقیناً واجب تان را به صورت درست انجام داده اید، موفقیت تان را مبارکباد می‌گوییم، چنانکه کشورهای مسیحی و عموم مسیحیان به شاهکاری هایتان مبارکباد می‌گویند.

برادران! بعد از گذشت ثلث قرن نهم تا امروز توانستیم بر همه برنامه‌های تعلیمی کشورهای مستقل اسلامی، وکشورهایی که تابع نفوذ مسیحیت‌اند، وکشورهاییکه دولت داران شان مسیحیان‌اند، قبضه نمائیم، در این کشورها کمین گاه‌های مسیحیت، کلیساها و انجمن‌های را تشکیل دادیم و در مکاتبی که زیر نظارت و سرپرستی کشورهای اروپائی و امریکائی قرار دارند، نیز برنامه‌های چشمگیری را عملی نمودیم، حتی شخصیت‌های بزرگ این دولت‌ها را به دام خود کشانیدیم.

تقدیر و سپاس قبل از همه به شما بر می‌گردد سپس به کمک و همکاری‌های توانگر و ثمربخش مختلفی که بزرگترین دست آوردهای بی‌مثیل تاریخی را ثبت نموده‌اند.

شما با وسایل و امکانات دست داشته تان توانسته‌اید همه عقل و هوش

را در کشورهای اسلامی به خود جلب نموده در خط سیر خویش که قبلاً آن را آماده کرده بودید، قرار داده و بر آنان بقبولانید. شما نسلی را تربیه و آماده نمودید که از خدا دور گشته‌اند و قادر نخواهند بود تا با خدا رابطه خود را محکم نمایند، این نسل برای همیشه نمی‌خواهند با خدا رابطه داشته باشند. شما مسلمان را از اسلام بیرون آوردید ولی مشرف به مسیحیت ننمودید، به این ترتیب نسلی را آماده کردید که استعمار انتظار آن را داشت، نسلی که در مقابل سختی مقاومت نداشته، بی‌پروا و راحت طلب و تنبل باشد، و اگر به مقام و مراتب بزرگ دست یابد بخاطر شهوت و عیش و عشرت خویش سخاوت و جوانمردی خواهد کرد. بدون شک مأموریت خویش را به صورت درست به پیش می‌برید، از اینجاست که نتایج و دست آوردهای بزرگی را حاصل نمودید که ملت مسیحیت عموماً به شما تبریک عرض میدارند، چنانکه استعمار از شما راضی و خوشنود بوده، پس به پیش به سوی ادای رسالت و مأموریت مقدس تان، همانا به فضل و جهاد مبارک تان به مقام والائی دست یافته‌اید و خداوند از شما راضی است»^(۱).

با این گونه اهداف زشت و پست و وسایل بدتر از آن مسیحیان در لباس دلسوزی و انسان دوستی با فقراء و مساکین و ناداران داخل کشورهای اسلامی می‌گردند ولی خداوند از دین و بندگان مؤمنش دفاع می‌کند، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يُرِيدُونَ لِيُظْفِرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

﴿[الصف: ۸].﴾

ترجمه: «می‌خواهند نور (آئین) خدا را با دهان‌هایشان خاموش گردانند، ولی خدا نور خود را کامل می‌گرداند، هرچند که کافران دوست نداشته

باشند»^(۱).

وسائل دعوت به مسیحیت

قبل از اینکه با وسایل مسیحیان در دعوت شان آشنا شویم باید بدانیم که آن‌ها در این زمینه از دو راه پیش می‌روند یکی وسایل آشکار و صریح و دیگری وسایل مخفی و دور از انظار عامه، چنانکه از وسایل عصری که جهانیان جدیداً با آن آشنا شده‌اند استفاده می‌نمایند، و شاید وسایل عصری را بیشتر اهمیت دهند، دعوتگران مسیحیت همه این راه‌ها و وسایل را تجربه نموده‌اند و نظر به شرایط مکان و زمان آن را تغییر می‌دهند.

وسایلی که صورت آشکار و علنی در راه گزایندن مسلمانان به مسیحیت از آن استفاده می‌شود به دو دسته تقسیم می‌گردد:

- فراخواندن مسلمانان به مسیحیت از راه مناقشه و مناظره علمی و یا مشکوک نمودن جانب مقابل در اعتقادش.
- جنگ‌های صلیبی و محاکم تفتیش و اختطاف کودکان و سرقت از راه بحر، و از بین بردن مسلمانانیکه مانع دعوت آن‌ها قرار می‌گیرند، اشغال و به استعمار کشاندن کشورهای اسلامی.

چنانکه مؤسسات و انجمن‌های مسیحی متعددیکه بطور علنی و با همکاری کشورهای غربی تأسیس گردیده است، در این راه دست درکاراند. مؤسسات و انجمن‌هاییکه بخاطر دعوت مسیحیت انشاء و تأسیس شده است بیشتر از سی مؤسسه رسمی است که از سال‌های ۱۷۶۵ میلادی تا حال در کشورهای مختلف جهان مشغول دعوت به مسیحیت‌اند، که گنجایش ذکر آن در اینجا نیست، و اگر کسی معلومات مفصل در باره این

مؤسسات و تاریخ تأسیس آن می‌خواهد به مراجع و مصادر این رساله مراجعه نماید.

اما وسایل مخفی و زیر پرده ای که در راه دعوت به مسیحیت و یا تأمین مصالح مسیحیان از آن استفاده می‌نمایند قرار آتی است:

۱- هیأت‌های دیپلماتیک

که از جانب کشورهای غربی به کشورهای اسلامی اعزام می‌گردند، ومؤسسات و شرکت‌های ساختمانی و تعلیمی رسمی که مشغول کار و فعالیت در سرزمین‌های اسلامی‌اند. دعوتگران مسیحیت از این فرصت استفاده می‌کنند و به شکل غیر مستقیم مسلمانان را بسوی مسیحیت دعوت می‌نمایند و یا اقلماً محبت و دوستی غربی‌ها را در دل‌هایشان جا می‌دهند.

۲- مکتشف‌ها:

مکتشفین جغرافیائی که از جانب دانشگاه‌های غربی به کشورهای اسلامی اعزام می‌گردند، دعوتگران مسیحی از این راه نیز استفاده می‌نمایند.

۳- طبابت:

هیأت‌های طبی که در ردیف مؤسسات کمک‌های انسانی و علاج مردمان بی‌نوا و تنگدست به کشورهای اسلامی فرستاده می‌شوند، آن‌ها در قدم اول کلینک‌ها و شفاخانه‌ها را تأسیس می‌نمایند سپس به تدریج و بازرنگی دعوت به مسیحیت می‌نمایند.

۴- آموزش حرفه یا پیشه:

مؤسسات غربی که جوانان مسلمان را حرفه یا صنعت می‌آموزند،

مسیحیان زیر پوشش این نام دعوت خویش را به پیش می‌برند.

۵- تعلیمات عالی:

هیأت‌های تعلیمی اعزام شده بخاطر تأسیس دانشگاه یا فاکولته‌ها در کشورهای اسلامی، این مؤسسات علمی بخاطر شکار جوانان به دام مسیحیت و یا بخاطر تجسس به کشورهای اسلامی فرستاده می‌شوند. چنانکه جوانان ذکی و با استعداد را زیر تربیه و نظارت خویش قرار می‌دهند تا در آینده آن‌ها را شخصیت‌های بارز معرفی نمایند و اکثراً زمام امور و یا پست‌های بلند به آن‌ها سپرده می‌شود و در مقابل دین اسلام و مسلمانان از آن‌ها استفاده صورت می‌گیرد.

۶- مؤسساتی که بنام کمک و همکاری در کشورهای فقیر گسیل می‌شوند:

این مؤسسات از راه کمک و همکاری با مردان و زنان و کودکان، لباس، مواد غذایی و خیمه و... را به مردمان تقدیم می‌نمایند و می‌گویند: این نعمت عیسی پسر مریم است که به شما ارزانی نموده است و یا بطور کنایه و یا غیر مستقیم که باعث برخورد یا افشای اسرار آن‌ها نگردد، زهر خویش را می‌ریزند.

۷- شکار زن‌ها:

دعوتگران مسیحیت درک کرده‌اند که زن‌ها می‌تواند تأثیر مستقیم بالائی خانواده و فرزندان و همزیستان شان داشته باشند، لذا قبل از همه می‌کوشند تا زن را از دایره اخلاق و محیط اسلامی بیرون آرند، سپس در برهنه نمودن آن‌ها می‌کوشند. آن‌ها کورس‌های مختلف و به نام‌های مختلف در قریه جات و دهات و شهرها تشکیل می‌دهند.

کورس‌های حرفوی که هرگز به زن تعلق ندارد تأسیس می‌نمایند و در بعضی جاهائیکه هدف شان بجا خورده است کورس‌های رقص و موسیقی و هنر را ایجاد نموده‌اند، اما در مورد حقوق زن و مساوی بودن آن‌ها با مردان سخنانی است که همه روزه از طریق رسانه‌های جمعی پخش می‌گردد، می‌خواهند زن در امور سیاسی و فرهنگی نقش فعال داشته باشد، زیرا آن‌ها به نتیجه رسیده‌اند که زن شکاری مناسب و خوبی برای تطبیق و پخش اهداف مسیحیت است.

۸- کارگران و متخصصین:

کارگران و متخصصین مسیحی که در امور طبی، ساینس و تکنالوجی، و دیگر حرفه‌ها در کشورهای اسلامی کار می‌کنند آن‌ها در راه دعوت به مسیحیت نیز نقش بارزی را بازی می‌کنند زیرا آن‌ها میان توده‌ها و اقشار جامعه هستند و به تدریج مردمان ضعیف را به دام خویش می‌گیرند.

۹- بورس‌های تعلیمی:

محصلان و شاگردانیکه بخاطر تعلیمات عالی به کشورهای غربی فرستاده می‌شوند، شکار خوبی برای دعوتگران مسیحیت‌اند، آن‌ها برنامه‌های متنوع را برای محصلان خارجی مخصوصاً مسلمان‌ها آماده می‌نمایند مانند دعوت و مهمانی به منازل مسیحیان و یا برنامه‌های فرهنگی یا اجتماعی در یکی از کلیساها یا میدان‌های ورزشی مربوط به کلیساها.

همچنان در خارج از ساحة دانشگاه‌ها دعوتگران می‌کوشند با آن‌ها ارتباط بگیرند و به نام همکاری و یا دوستی این ارتباط را نگهمیدارند، تا آهسته آهسته بعضی افکار و معتقدات خویش را به آن‌ها باز گو نمایند تا اینکه رفته رفته بحث و نقاش اینچنین مسایل شکل عادی را بخود بگیرد، جوانانیکه معلومات کافی از دین و آئین خویش ندارند زودتر منحرف

می‌گردند. چنانکه جوانان بی‌بضاعت و تنگدست بعد از اینکه مبلغی را از طریق کلیساها و یا انجمن‌های تعاونی بدست می‌آورند، در دام و زیر منت آن‌ها گیر می‌مانند.

۱۰- تبادلۀ کلتور و فرهنگ میان کشورهای غربی و اسلامی:

تبادلۀ کلتور میان کشورهای اسلامی و غربی از مهمترین وسایل دعوت به مسیحیت به شمار می‌رود، درین تبادلها بهره و نصیب کشورهای اسلامی غالباً، تقدیم و پیشکش نمودن تقالید، کلتور و عنعنات مردمی از جمله رقص، موسیقی و لباس‌های مردانه و زنانه و خوردنی‌های وطنی، و صنایع دستی و غیره می‌باشد، و یا توزیع کردن بعضی از کتابها و رساله‌های که طبیعت کشور و حالت مردم را بیان می‌کند می‌باشد، ولی نصیب و بهره کشورهای بیگانه غربی عبارت از تأسیس مراکز فرهنگی دائمی، و گرد آوردن شخصیت‌های ملی و فرهنگی این کشورها درین مراکز می‌باشد، و از لابلای این مراکز جوانان و افراد این کشور را به مسیحیت دعوت می‌دهند و یا اینکه آن‌ها را به فرهنگ پوچ و بی‌معنای خود مفتون می‌سازند.

۱۱- وسایل و رسانه‌های خبری:

وسایل و رسانه‌های خبری مانند رادیو، تلفزیون، سینما، تالارها و دیگر وسایل ارتباطی و نقل معلومات مانند انترنت همه در حملات مسیحیت بر کشورهای اسلامی سهم فعال دارند، که از جمله وسایل مخفی به شمار می‌روند لیکن وسایل معلوماتی و ارتباط آشکار خیلی زیاد است که با زبان‌های مختلف از طریق شبکه‌ها و اقمار مصنوعی برای ساعت‌ها پخش می‌گردد، اینچنین وسایل در نشر عقاید مسیحیت و غیره نقش مهم و سریع الوصول را دارا است.

چنانکه افلام و نمایشنامه‌ها و سریال‌ها و برنامه‌های فرهنگی و تعلیمی که در تلویزیون و کانال‌های کشورهای اسلامی پخش می‌گردد، همه در نشر فرهنگ غرب، و اجرای شعائر دینی و مذهبی آن‌ها و اصطلاحات و حرکات و تقالید مردمان غرب نقش فعال دارند، حتی در افلام کارتونی که اکثراً ساخت کشورهای غربی است، کوشیده شده تا تمدن و کلتور غرب در مغزهای کودکان مسلمان ریشه دواند.

کورس‌های زبان انگلیسی و برنامه‌های رادیویی که بخاطر تعلیم زبان انگلیسی آماده می‌شود، بطور واضح فرهنگ غرب را به جوانان مسلمان می‌آموزاند و حکایات و قصه‌های دوستی دختر و پسر یا پیک شراب و... را در آن درج می‌کنند تا همچو مسایل در نظر فرد مسلمان عادی گردد. هرگاه مردم را آماده پذیرش کلتور خود نمودند به آسانی مسیحیت، کفر و الحاد را قبول خواهند کرد^(۱).

چگونه از پخش و نشر مسیحیت جلوگیری نمود؟

بر هر مسلمان لازم است تا در نشر و پخش دین اسلام به اندازه وسیع خود سهم بگیرد، زیرا اسلام دینی است که به همه بشریت به واسطه پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد ﷺ فرستاده شده است، هر چند قرآن کریم با دلایل و براهین واضح و آشکار فرود آمده است ولی با آن هم به وسایل، راه و روشی که مناسب و مطابق هر اجتماع باشد، ضرورت دارد.

چنانکه در رویارویی و افشا نمودن حملات مسیحیت بر کشورهای اسلامی هر مسلمان ملزم به کار، فعالیت، دفاع از دین، و بر ملا ساختن

۱- برگرفته از کتاب التنصیر مفهومه وأهدافه ووسائله ص ۵۷-۹۴، و دراسات فی الأديان ص ۳۷۹ والتنصیر فی البلاد الإسلامية ص ۱۷-۲۸.

برنامه‌های آنان می‌باشد.

ما بطور مختصر راه‌های مقابله با دعوتگران مسیحیت را خدمت خوانندگان گرامی تقدیم می‌داریم، خدا کند درین راه گامی مؤثری باشد.

۱- مسلمانان باید به آئین اسلام و آداب آن چنگ بزنند تا الگو و نمونه‌ای از اخلاق و آداب اسلامی گردند، و دیگران را گرویده آئین خود گردانند.

۲- نصاب و برنامه‌های تعلیمی در همهء مراحل آن باید موافق و موازی با احکام شریعت اسلامی باشد تا نسل آگاه به دین ببار آید.

۳- همهء عوامل و اسباب اختلاف و تفرقه میان مسلمانان برداشته شود و اینکار تنها در وحدت زیر پرچم اسلام و تطبیق قانون قرآن صورت خواهد گرفت.

۴- حکومت‌های کشورهای اسلامی باید به سوی عملی نمودن احکام و قوانین اسلامی حرکت نمایند و قوانین وضعی و خود ساخته بیگانگان را از میان بردارند.

۵- باید فعالیت و کار در زمینهء نشر کتاب‌ها و تألیفات اسلامی صورت گیرد تا اسلام به شکل درست و حقیقی‌اش به مردم معرفی گردد، زیرا اسلام دینی است که عقل را مخاطب قرار می‌دهد، و اگر مسأله ای و مشکلی پیش آید باید در پرتو آیات قرآنی و سنت مطهر پیامبر ﷺ حل گردد و راهی برای مسیحیت باقی نماند تا در حل معضله‌های ما مداخله نمایند.

۶- باید دعوتگران ماهر و برجسته به کشورهای بیگانه فرستاده شوند تا آئین اسلام را بطور درست به آن‌ها پیش نمایند.

۷- انجمن‌ها، مؤسسات، مراکز و اتحادیه‌های مختلف تأسیس گردد تا روش‌های دعوتگران مسیحیت و مستشرقین (خاورشناسان)، توطئه

- و دسیسه‌ها و پلان‌های آن‌ها را خنثی نمایند.
- ۸- دولت‌های اسلامی در مورد شفاخانه‌ها، کلینک‌ها، کورس‌ها و مراکز کلتوری و ورزشی بیگانگان تجدید نظر نمایند، زیرا این‌ها از وسایل مهم دعوت‌گران مسیحیت بشمار می‌رود.
- ۹- نشر و پخش اخبار و حکایات اشخاصیکه به اسلام مشرف می‌گردند، چه مسیحی یا کس دیگری، بویژه آن‌عده دعوت‌گران شان که به اسلام می‌گرایند^(۱).

مقام مسیح عليه السلام و سایر انبیاء عليهم السلام در اسلام

مسیح عليه السلام پسر مریم بدون پدر به دنیا آمده، این یک حادثه عجیب و شگفت انگیزی است! مگر شگفت انگیز تر از آفریدن آدم عليه السلام نیست، هنگامیکه خداوند وی را بدون پدر و مادر آفرید. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۵۹﴾﴾ [آل عمران: ۵۹].

ترجمه: «مسأله (آفرینش) عیسی برای خدا، همچو مسأله (آفرینش) آدم است که او را از خاک بی‌آفرید، سپس به او گفت: پدید آی! و (بی‌درنگ) پدید آمد»^(۲).

قرآن کریم یگانه منبع و مصدری است که قصه ولادت عیسی عليه السلام را با اسلوب زیبا و معجز بیان داشته است. خداوند در سوره مریم چنین

۱- التنصير في البلاد الإسلامية ص ۹۸- ۱۰۶، و سایت العالم الاسلامی (وسایل اخوان

مسلمین برضد مسیحیت) والتنصير و مفهومه.. ص: ۱۳۵- ۱۴۰.

۲- تفسیر نور.

می فرماید:

﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٦﴾ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ﴿١٨﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسَّسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿٢٠﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّئٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا ﴿٢١﴾ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٢﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا ﴿٢٣﴾ فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٤﴾ وَهَرَوَى إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا ﴿٢٥﴾ فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ﴿٢٦﴾ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ وَالْقَوْمَ لَيَمْرِيئٌ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿٢٧﴾ يَاخُذْ هَرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوِيًّا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا ﴿٢٨﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿٢٩﴾ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَنِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿٣٠﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٣١﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿٣٢﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٣﴾ ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٤﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ ﴿٣٥﴾﴾ [مریم: ۱۶ - ۳۵].

«ای پیامبر! در کتاب از مریم سخن بگو: آن هنگام که در ناحیه شرقی

(بیت المقدس برای فراغت عبادت) از خانواده‌اش کناره گرفت. و پرده ای میان خود و ایشان افکند، ما جبریل (فرشته) خود را به سوی او فرستادیم و جبریل در شکل انسان خوش قیافه‌ای بر مریم ظاهر شد. (مریم لرزان و هراسان) گفت: من از تو، به خدای مهربان پناه می‌برم. اگر پرهیزگار هستی (بترس که من به او پناه بردم و او یار بی‌کسان است) (جبریل) گفت: (مترس) پروردگارت مرا فرستاده است تا به تو پسر پاکیزه ای ببخشم. (مریم) گفت: چگونه پسری خواهم داشت، در حالی که انسانی (از راه حلال) با من نزدیکی نکرده است، و زنا کار هم نبوده‌ام؟ (جبریل) گفت: همانگونه است (که بیان داشتی اما) پروردگارت گفته است این (کار، دادن فرزند بدون پدر) برای من آسان است، بخاطر آن است که (می‌خواهیم) او را معجزه ای برای مردمان کنیم، و رحمتی از سوی خود سازیم. دیگر کار انجام یافته است. (اراده خداوند تحقق یافت و مریم) باردار شد و با جنین خود (عیسی) در مکان دوردستی گوشه گرفت. درد زائیدن او را به کنار تنه خرما کشاند، گفت: کاش! پیش از این مرده بودم و چیز فراموش شده ای بودم. (جبریل) از پائین او، وی را صدا زد، غمگین مباش. پروردگارت پائین (تر از تو) چشمه ای پدید آورده است (و روانش کرده است). تنه خرما را بجنبان و بتکان، تا خرمای نارس دست چینی بر تو فروبارد. پس بخور و بیاشام و چشم را روشن دار، و هرگاه کسی را دیدی بگو: که من برای خدای مهربان روزه (سکوت و خودداری از گفتار) نذر کرده‌ام، و به همین دلیل امروز با انسانی سخن نمی‌گوییم. مریم او را در آغوش گرفت و پیش اقوام و خویشاوندان خود برد. آنان گفتند: ای مریم! عجب کار زشتی کرده ای! ای خواهر هارون! نه پدر تو مردی بدی بود، و نه مادرت زن بدکاره ای! (مریم) اشاره به او (نوزادش) کرد. گفتند: ما چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوئیم؟ (هنگامیکه عیسی سخن ایشان را شنید) گفت: من

بنده خدایم، برای من کتاب (آسمانی انجیل) را خواهد فرستاد و مرا پیغمبر خواهد کرد. و مرا — در هر کجا که باشم — شخص پر برکت و سودمندی می‌نماید. و مرا به نماز خواندن و زکات دادن — تا وقتی که زنده باشم — سفارش می‌فرماید. و به نیکی و نیکرفتاری در حق مادرم و مرا زور گو و بد رفتار نمی‌سازد. و سلام (خدا) بر من است (در سراسر زندگی) آن روز که متولد شده‌ام، و آن روز که می‌میرم، و آن روز که زنده و بر انگیزته می‌شوم! این است عیسی پسر مریم، این سخن راستین در باره او است، سخن راستینی که در آن شک و تردید می‌کنند. سزاوار خداوند نیست که فرزندی داشته باشد. او منزله است، هرگاه اراده پدید آوردن چیزی و انجام کاری کند، تنها کافی است راجع بدان بگوید: بشو! و می‌شود»^(۱).

عقیده مسلمانان در مورد پیامبران

ایمان به پیامبران رکنی از ارکان ایمان بشمار میرود، اگر مسلمانی ایمان به همه پیامبران علیهم‌السلام مانند ایمانش به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نداشته باشد مسلمان محسوب نمی‌شود و اگر به یکی از پیامبران کافر شود و یا سخن بد یا زشتی را به آن‌ها نسبت دهد از دایره اسلام خارج گردیده مرتد است، کسی که به یک پیامبر کافر گردد چنانکه به همه آن‌ها کافر گردیده باشد، مسلمان ایمان به همه رسالات آسمانی دارد، خداوند می‌فرماید:

﴿عَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾﴾ [البقرة: ۲۸۵].

ترجمه: «ایمان آورد پیغمبر بچیزی که نازل شده بوی از طرف

پروردگارش و مؤمنان نیز (ایمان آوردند)، همگی به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های وی و پیامبرانش ایمان داشته (و می‌گویند) میان هیچیک از پیغمبران او فرق نمی‌گذاریم».

علامه یوسف قرضاوی می‌گوید: «اگر یهود زیر پرچم موسی عليه السلام نزد ما بیایند ما مسلمانان زیر پرچم موسی و عیسی و محمد عليه السلام در مقابل آن‌ها می‌ایستیم، الحمد لله ما مسلمانان در برابر هیچ کتاب آسمانی و یا پیامبری کینه و دشمنی نداریم ما چنانکه پیامبر مان محمد عليه السلام فرموده است: (ما نزدیک‌ترین مردمان به عیسی پسر مریم هستیم)، محبت و دوستی عیسی عليه السلام و مادر با عفتش در اعماق قلب‌های ما جا دارد، این محبت ما مسلمانان، در برابر همهء پیامبران است، پس آیا پیروان آن‌ها همچو محبت و دوستی و احترام در مقابل پیامبر مان محمد عليه السلام دارند؟»^(۱).

اعترافات:

برناردشو می‌گوید: «پیروان محمد در مورد مسیح عليه السلام از ادب فراوانی برخوردار هستند»^(۲).

دیگری بنام م. کویت چنین می‌گوید: «غربی‌ها در فضای عداوت و دشمنی در مقابل اسلام بزرگ شده‌اند، بر عکس، مسلمانان محبت و دوستی فراوانی در برابر مسیح عليه السلام و کتابش انجیل دارند».

ارسکین چایلدرز بریطانی می‌گوید: «روابط مسلمانان با دیگران از روزگار اول اسلام با هم مساوی و برابر نبود، زیرا اسلام به همه دیانت‌های آسمانی

۱- التصور الإسلامي للمسيح د. عبد المعطی الدالاتی و سایت اسلام.

۲- مرجع سابق.

اعتراف دارد و ایمان داشتن به پیامبران پیشین را جزو اساسی اعتقاد خود میدانند، اما اهل دیانت‌های دیگر، اسلام را به رسمیت نشناختند و معترف نشدند و روزی هم با آن‌ها از راه دوستی و مسالمت پیش نرفتند».

دیگری بنام رینیه دیکارت در یکی از مقاله‌هایش می‌گوید: «مسلمانان به رسالت عیسوی و محمدی عمل می‌کنند، ولی ما به رسالت دومی (اسلام) عمل ننمودیم، اگر انصافانه قضاوت می‌کردیم، حتماً در پهلوی آن‌ها یکجا با هم قرار می‌گرفتیم، زیرا رسالت مسلمانان سازگار و هم‌آهنگ با هر زمانی و مکانی است».

استاد محمد غریب مسلمان می‌گوید: «اگر مسیحیان اسلام را می‌فهمیدند و مشرف به آن می‌شدند مسیح علیه السلام را بیشتر از قبل مورد احترام و عزت قرار میدادند»^(۱).

۱- التصور الإسلامي للمسيح رسایت الإسلام، و برگرفته از کتاب «ریحتم محمداً ولم أخسر المسيح».

سخن اخير

در اخير به سه نکته مهم اشاره می‌نمائيم:

اول: جنگ و مبارزه میان مسلمانان و کافران تا فرود آمدن عیسی عليه السلام از آسمان ادامه خواهد یافت، عیسی عليه السلام بعد از فرود آمدنش دجال و خنزیر را نابود خواهد کرد، سپس صلیب را می‌شکند و مطابق احکام و قوانین شریعت محمد صلى الله عليه وآله حکم خواهد کرد^(۱).

پیشرفت و بالادستی کافران در سلاح‌های جنگی، ساینس و تکنالوژی و اقتصاد و فرهنگ بر مسلمانان، بسنده خاموش شدن شعله‌های دشمنی و عداوت آن‌ها در مقابل مسلمانان نخواهد بود، تا اینکه آن‌ها را از دین شان بیرون آرند، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ...﴾ [البقرة: ۱۲۰]. ترجمه: «یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خوشنود نخواهد شد، مگر اینکه از آئین ایشان پیروی کنی».

دوم: بر همه مسلمانان لازم است تا در دفاع از دین شان و مقاومت در مقابل تجاوز گران و کافران با امکانات دست داشته شان سهم گیرند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ...﴾ [الأنفال: ۶۰]. ترجمه: «برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می‌توانید نیروی (مادی و معنوی) آماده سازید».

سوم: موفقیت و پیروزی از آن مسلمانان خواهد شد، ولی مشروط بر اینکه به خداوند رجوع کنند و از اوامر و نواهی خداوند متعال پیروی تمام نمایند شاید مبارزه میان اهل حق و باطل طول بکشد ولی در نهایت پیروزی

۱- به صحیح بخاری و مسلم باب نزول عیسی عليه السلام مراجعه شود.

از اهل حق است هر چند کافران افکار پوچ و بی‌اساس شان را از راه کانال‌های فضائی، انترنت، گسیل دعوتگران و از راه‌های مختلف، پخش نمایند و در این راه هزینه‌های هنگفتی را بمصرف برسانند، لیکن جایی را نخواهد گرفت^(۱)، خداوند عز و جل می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾ [الأنفال: ۳۶].

ترجمه: «کافران اموال خود را خرج می‌کنند تا (مردمان را) از راه خدا باز دارند. آنان اموالشان را خرج خواهند کرد، اما بعداً مایه حسرت و ندامت ایشان خواهد گشت و شکست هم خواهند خورد. بیگمان کافران همگی به سوی دوزخ رانده می‌گردند و در آن گرد آورده می‌شوند^(۲). مسیحیان از عقیده گنگ و بی‌مفهومی که دارند خسته شده‌اند تا جائیکه در این اواخر در بعضی از شهرهای انگلستان کلیساها به فروش رسید که خوشبختانه خریداران کلیساها مسلمانان بودند و در بدل آن مساجد بزرگی را بنا نمودند. و صلی الله علی نبینا وعلی آله وصحبه أجمعین.

۱- مجله‌ء البیان سال ۱۵- عدد ۱۵۴ جمادی الآخر ۱۴۲۱هـ ص: ابراهیم العقیل.

۲- تفسیر نور.

فهرست مراجع و مصادر

- ١- تفسير نور از دكتور مصطفى خرم دل، چاپ ايران، تهران، نشر- احسان ١٣٧٩هـ- ش.
- ٢- التنصير فى البلاد الإسلامية، تأليف دكتور محمد ناصر الشثري، دار الحبيب، الرياض.
- ٣- خصائص التصور الإسلامي، سيد قطب، دار الشروق، بيروت ١٤١٥هـ.
- ٤- التنصير مفهومه وأهدافه ووسائله وسبل مواجهته، على ابراهيم الحمد النملة، مكتبة التوبة، الرياض ١٤١٩هـ.
- ٥- دراسات فى الأديان اليهودية والنصرانية، دكتور سعود عبد العزيز الخلف، أضواء السلف، الرياض ١٤٢٢هـ.
- ٦- الموسوعة الميسرة فى الأديان والمذاهب المعاصرة، چاپ الندوة العالمية للشباب الإسلامي، الرياض - ١٤٠٩هـ.
- ٧- الموسوعة الميسرة فى الأديان والمذاهب والأحزاب المعاصرة، الدكتور مانع حماد الجهنى، چاپ دار الندوة للطباعة والنشر- والتوزيع، ١٤٢٠هـ.
- ٨- كنت نصرانياً وأسلمت، إعداد محيى الدين عبد الحميد، المطابع

المجموعة الإعلامية ١٤١٤ هـ.

٩- پیامبران از دیدگاه قرآن تألیف استاد ابو الحسن الندوی ترجمہ محمد

بہاؤ الدین حسینی، انتشارات تازہ نگار ١٣٧٨ هـ.

١٠- لماذا اعتنقت الإسلام، استاد فوزی الحلبي، دار المسلم للنشر-

والتوزيع، الرياض ١٤٢٢ هـ.

١١- مجله البيان، السنة ١٥- العدد ١٥٤- جمادى الآخرة ١٤٢١ هـ.

١٢- سايت الإسلام.